

بررسی امنیت غذایی و تحلیل چالش‌های آن در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان بکشلوچای، شهرستان ارومیه)

رضا قادری^{*۱}

۱. استادیار، عضو هیئت علمی، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول، Email: R_ghaderi86@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳ شهریور ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۰۵ بهمن ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: دسترسی به غذای کافی، مطلوب و سلامت تغذیه‌ای از محورهای اصلی توسعه زیربنای پرورش نسل آینده کشور قلمداد می‌شود. جوامع روستایی با تأمین بیش از دوسوم مواد غذایی، نقش قابل توجهی در تأمین امنیت غذایی کشور ایفا می‌کنند. با این وجود شواهد نشان می‌دهد وضعیت تأمین کنندگان اصلی امنیت غذایی کشور در اثر عللی که تاکنون به آن توجه نشده است، حداقل در مقایسه با جوامع شهری، در وضعیت نامساعدی قرار دارد.

هدف: پژوهش حاضر با هدف کلی تحلیل وضعیت امنیت غذایی و عوامل مؤثر بر آن در جامعه روستایی دهستان بکشلوچای انجام شده است. **روش‌شناسی:** جامعه آماری پژوهش را کلیه سرپرستان خانوارهای ۵۱ روستای واقع در دهستان بکشلوچای تشکیل می‌دهد که با استفاده از فرمول کوکران، ۱۸۰ نفر از سرپرستان خانوار به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده‌اند. در بخش کمی پژوهش حاضر برای سنجش امنیت غذایی از پرسشنامه استاندارد جهانی وزارت کشاورزی آمریکا که روایی و پایایی آن در مطالعات متعددی تأیید شده است، استفاده شد. در بخش کیفی، گردآوری داده‌ها از طریق نمونه‌گیری هدفمند و با روش گلوله برفی، تا رسیدن به مرحله اشباع تئوریک ادامه داشت و داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش نظریه داده بنیاد (GTM) تحلیل شده‌اند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی شامل روستاهای دهستان بکشلوچای، شهرستان ارومیه بوده است. **یافته‌ها و بحث:** نتایج بخش کمی پژوهش نشان داد امنیت غذایی محدوده مورد مطالعه در شرایط نامساعدی قرار دارد. به این صورت که ۷۸ درصد افراد مورد مطالعه دارای امنیت غذایی، ۱۰ درصد در شرایط ناامنی غذایی بدون گرسنگی، ۲۵ درصد در شرایط ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط و ۵۷٫۲ درصد در شرایط ناامنی غذایی با گرسنگی شدید قرار گرفته‌اند و بین روستاهای مورد مطالعه به لحاظ امنیت غذایی تفاوت معناداری وجود ندارد.

نتیجه‌گیری: نتایج بخش کیفی پژوهش در ارتباط با چالش‌های امنیت غذایی در محدوده مورد مطالعه نشان داد پنج چالش اساسی امنیت غذایی که به صورت سلسله‌ای با همدیگر در ارتباط هستند، عبارتند از: ضعف سیاست‌گذاری، ضعف شرایط اقتصادی، نارسایی‌ها و مخاطره‌های محیطی، موانع فرهنگی و تغییرات اجتماعی و ناپایداری کشاورزی.

کلیدواژه‌ها: توسعه روستایی، امنیت غذایی، ناامنی غذایی، دهستان بکشلوچای.

مقدمه

به دنبال اعلام دهه‌های توسعه از سوی سازمان ملل متحد از اوایل دهه شصت میلادی، موضوع توسعه در کشورهای درحال توسعه در صدر مسائل نهادی ملل متحد و مؤسسه‌های بین‌المللی قرار گرفت. امنیت غذایی نخستین اصل و از شرط‌های لازم برای حفظ سلامت افراد جامعه است تا افراد بتوانند نقش کلیدی خود را به عنوان عنصر اصلی توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفا کنند (نورد ام، کلمن-جنسن آ، اندروز ام، و کارلسون اس، ۲۰۱۰). به همین دلیل، اکثر کشورهای جهان اهمیت ویژه‌ای برای ایجاد، حفظ و پایداری امنیت غذایی قائل هستند و نبود آن را تهدیدی جدی علیه توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تلقی می‌کنند (صفرخانلو و محمدی نژاد، ۱۳۹۰). در یک جمله ساده، امنیت غذایی به وضعیتی اطلاق می‌گردد که مردم در حین زندگیشان احساس گرسنگی و یا ترس از گرسنگی نداشته باشند (بالا، مستعار، ارشد، نوح، و هادی، ۲۰۱۴).

وعده‌های غذایی روستاییان، از نظر زمان و نوع خوراک، برنامه‌ای مشخص مانند شهر ندارد و تغذیه آنان بیشتر تابع گرسنگی است. نوع خوراک را نیز فصل و تولیدات دامی و کشاورزی تعیین می‌کند. این امر نشان می‌دهد که، روستاییان به نوع غذا، ایجاد تنوع غذایی، و ارزش تغذیه‌ای و کیفیت غذاها توجهی ندارند (سالارکيا، امینی، عبدالهی، عسرتی، ۱۳۸۹). با توجه به این که اکثر جمعیت کشورهای در حال توسعه در نقاط روستایی زندگی می‌کنند، بهبود و ارتقای سطح امنیت غذایی خانوارهای روستایی یک هدف بسیار مهم در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌گردد (سینیولو، مادهارا و والی، ۲۰۱۴).

شواهد نشان می‌دهد در ایران، روستاییان با فعالیت خود در بخش‌های مختلف اقتصادی به ویژه در بخش کشاورزی، بیش از ۸۷ درصد منابع مورد نیاز برای تأمین امنیت غذایی کشور را تهیه می‌کنند. با این وجود انتظار می‌رود خانوارهای روستایی که عمدتاً تأمین‌کننده مواد غذایی کشور هستند، از نظر نوع و میزان، دسترسی کاملی به مواد غذایی داشته باشند، با این وجود، نتایج مطالعات متعددی در ارتباط با امنیت غذایی در نواحی روستایی کشورمان نشان می‌دهد که شدت ناامنی غذایی در جوامع روستایی کشورمان به صورت قابل توجهی، بیشتر از نقاط شهری است (سیدی، ۱۳۹۴). این در حالی است که در کشورمان تاکنون در ارتباط با مشکلات امنیت غذایی روستاییان تحقیق منسجمی انجام نگرفته است و در این زمینه خلأ مطالعاتی شدیدی وجود دارد.

به طور کلی امنیت غذایی به معنای دسترسی همه مردم در تمامی اوقات به غذای کافی برای داشتن زندگی سالم است. این تعریف بر سه مؤلفه موجود بودن غذا، دسترسی به غذا و پایداری در دریافت غذا استوار است (FAO, 2008). ۶۸ درصد از جمعیت شهرستان دیواندره دارای اضافه وزن و عادات غذایی ناصحیح هستند، به طوری که ۸۸ درصد از جمعیت این شهرستان ماهی و ۲۸ درصد نیز میوه و سبزی خیلی کم مصرف می‌کنند. میانگین مصرف سرانه چربی و روغن‌ها نیز از میانگین کشوری بالاتر است. ۳۶ درصد زنان و ۵۹ درصد مردان این منطقه در گروه سنی ۴۵ تا ۶۵ سال مبتلا به فشار خون بالا و ۴۰ درصد از زنان و ۳۳ درصد مردان نیز در همین گروه سنی مبتلا به دیابت هستند (سازمان علوم پزشکی شهرستان ارومیه، ۱۳۹۵).

بنابراین، محقق با انتخاب روستاهای دهستان بکشلوچای، از توابع شهرستان ارومیه به عنوان محدوده مورد مطالعه، در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

وضعیت امنیت غذایی روستاییان دهستان بکشلوچای چگونه است؟

آیا بین ۵۱ نقطه روستایی دهستان بکشلوچای به لحاظ وضعیت امنیت غذایی، تفاوت معناداری وجود دارد؟

مهمترین چالش‌های پیش روی امنیت غذایی روستاییان دهستان بکشلوچای کدامند؟

1. Nord M., Coleman-Jensen A., Andrews M., and Carlson S

2. Bala, B.K., Alias, E.F., Arshad, F.M., Noh. K.M., and Hadi, A.H.A

3. Sinyolo, S., Mudhara, M. and Wale, E

امنیت غذایی یک مفهوم انعطافپذیر است و تلاش‌های زیادی برای تعریف آن در تحقیقات مشاهده می‌شود. در نتیجه تعاریف متعددی برای امنیت غذایی ارائه شده است. با این وجود متداولترین و رایج‌ترین تعریف از امنیت غذایی به تعریف اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۹۶ مربوط می‌شود. در این تعریف امنیت غذایی در یک جامعه زمانی وجود دارد که: "همه مردم، برای برآورده کردن نیازهای غذایی و با در نظر گرفتن ترجیحات غذایی برای یک زندگی فعال و سالم، به صورت تمام وقت، به غذای کافی و سالم دسترسی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی داشته باشند (آندرسون و استرات، ۲۰۱۵).

طرف مقابل امنیت غذایی ناامنی غذایی است که بر اساس آخرین تعاریف عبارت است از: "دسترسی محدود و نامشخص به مواد غذایی کافی و سالم" و یا "ناامنی غذایی توانایی محدود و نامشخص برای به دست آوردن مواد غذایی قابل قبول از راه‌هایی که، به لحاظ اجتماعی مقبول هستند"، تعریف شده است. ناامنی غذایی از مهم‌ترین موانع پیش روی توسعه جامع است و آثار مخرب جسمی، روانی، اجتماعی و تهدید رفاه توسط ناامنی غذایی، ثابت شده است (شتاسل، ۲۰۱۵). در گزارشی از فائو در ارتباط با ناامنی غذایی در سال ۲۰۰۲، چهار عنصر برای امنیت غذایی در نظر گرفته شد: موجودیت مواد غذایی، دسترسی به مواد غذایی، استفاده از مواد غذایی و پایداری سیستم مواد غذایی. در موجودیت، تمرکز روی تولید مواد غذایی است و در دسترسی، تمرکز روی توانایی مردم برای به دست آوردن غذا از طریق تولید، خرید یا انتقال مواد غذایی است (سایم، ۲۰۱۲).

با توجه به اهمیت روزافزون امنیت غذایی در توسعه و پیشرفت جوامع بشری، تحقیقات متعددی در این زمینه انجام گرفته است که در ادامه به نتایج چند مطالعه مهم اشاره خواهد شد.

علی حسینی (۱۳۸۵) در پژوهشی در زمینه تأثیر عوامل جمعیتی و اجتماعی بر امنیت غذایی به این نتیجه رسید که عواملی همچون جنسیت، سن، تحصیلات، وضعیت اشتغال سرپرست خانوار، بعد خانوار، وضعیت اشتغال، وجود فرد بیمار در خانواده، شبکه حمایت‌های خانوادگی و پرداخت هزینه برای مسکن به شدت بر امنیت غذایی تأثیرگذار است. گودرزی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی در زمینه عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در جامعه روستایی به این نتیجه رسیدند که بین امنیت غذایی و متغیرهای نظام تولیدی خانوار، مقدار زمین زراعی و باغی خانوار، اندازه واحدهای دامی، تعداد افراد شاغل، درآمد خانوار، تحصیلات زنان روستایی و توانایی تصمیم‌گیری مادر خانوار رابطه معناداری وجود دارد. صفرخانلو و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی وضعیت شاخص‌های امنیت غذایی به این نتیجه رسیدند که شاخص امنیت غذایی در مناطق شهری درمقایسه با مناطق روستایی به شدت کاهش و خط فقر به سرعت افزایش داشته و درنهایت شاخص امنیت غذایی در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های مطالعه شده روند مشخصی نداشته و فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است.

شرفخانی و همکاران (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی در میان زنان، زمین تحت تملک، درآمد خانوار، تعداد افراد خانواده، سن مسئول تغذیه خانوار، پس انداز شخصی، و تک سرپرستی است. پیاب و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی رابطه ناامنی غذایی با برخی عوامل اجتماعی - اقتصادی را بررسی کرده و نتیجه گرفتند که تحصیلات بالاتر مادر، جایگاه شغلی بالاتر سرپرست خانوار، مالکیت واحد مسکونی و امتیاز بالاتر امکانات و تسهیلات زندگی با ناامنی غذایی ارتباط مستقیم دارد و با افزایش بعد خانوار، ناامنی غذایی نیز روند فزاینده پیدا می‌کند.

سایم (۲۰۱۲) به تحلیل وضعیت امنیت غذایی و معیشت روستاییان در اتیوپی پرداخته و نتیجه گرفت که با وجود اجرای دو برنامه برای بهبود وضعیت امنیت غذایی روستاییان، ناامنی غذایی در این کشور ادامه دارد. دو عامل انسانی (مدیریت ضعیف محیط زیست و ضعف سیاستها) و فیزیکی (خشکسالی، تخریب محیط زیست، تضعیف حاصلخیزی خاک، از بین رفتن محصولات، هجوم آفات، عدم دسترسی به تکنولوژی و امکانات اعتباری و فقدان منابع درآمدی خارج از بخش کشاورزی) مهمترین عوامل تداوم ناامنی غذایی در روستاهای اتیوپی هستند. بشیر و همکاران (۲۰۱۲) عوامل مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی در ایالت پنجاب را بررسی کرده و نشان دادند که ۲۶ درصد از

خانوارهای مورد مطالعه امنیت غذایی مناسبی ندارند. درآمد ماهیانه، دارایی‌های دامی و بعد خانوار از تعیین‌کننده‌های امنیت غذایی هستند. نرد و همکاران (۲۰۱۰) به سنجش امنیت غذایی خانوارهای آمریکایی پرداختند. نتایج نشان داد ۸۵ درصد آمریکایی‌ها دارای امنیت غذایی و ۱۵ درصد در شرایط ناامنی غذایی قرار گرفته‌اند. دلیل اصلی ناامنی غذایی، عدم دسترسی به پول و دیگر منابع برای خرید مواد غذایی است. آندرمان و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی اثرات کشت محصولات برای فروش نقدی بر امنیت غذایی در نواحی روستایی غنا پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که رابطه مستقیمی بین کشت محصولات (کاکائو و روغن نخل) و امنیت غذایی خانوارها وجود دارد.

ترفری و همکاران (۲۰۱۴) ارتباط فرهنگ و امنیت غذایی در مزارع رعیتی آفریقای جنوبی را بررسی کردند. نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از آن بود که عوامل فرهنگی مانند قدرت، جنسیت، هویت، تغییرات فرهنگی و نهادهای محلی تأثیر مستقیمی را در افزایش امنیت غذایی دارند. سینیولو و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی امنیت آب و امنیت غذایی خانوارهای روستایی در بخش مزینای آفریقای جنوبی پرداخته و نتیجه گرفتند که تأمین آب خانگی خانوارها، سرمایه‌گذاری در طرح‌های آبیاری به صورت فیزیکی و مشارکتی، در امنیت غذایی خانوارها مؤثر بوده است. لئونوفنا و ایوانس (۲۰۱۴) تأمین امنیت غذایی جزایر کوچک مالوکو در اندونزی را بررسی کردند. آن‌ها نتیجه گرفتند که با توجه به از بین رفتن تنوع ژنتیکی محصولات در محدوده مورد مطالعه به علل متعددی از جمله تغییرات آب و هوایی، هجوم آفات، تقاضا برای محصولات خاص و...، فراهم آوردن تنوع ژنتیکی می‌تواند تأثیر بسزایی را در ارتقای امنیت غذایی در محدوده مورد مطالعه ایفا کند.

مروری بر تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که عدم پیگیری و در دستور کار قرار دادن مسائل امنیت غذایی در ارگان‌های دولتی، ملی و برنامه‌های داخلی، تقاضای فزاینده مواد غذایی، کاهش مراتع، آفات و بیماری، ضعف مکانیزاسیون کشاورزی، کمبود ظرفیت انبارها و صنایع سردخانه‌ای، شوک‌های آب و هوایی، تخریب شدید محیط زیست، سرمایه‌گذاری کم در بخش کشاورزی، خشکسالی و سیل، تخریب اراضی، کاهش منابع آب و افزایش جمعیت، سطح پایین تحصیلات بزرگسالان و به‌ویژه زنان، درآمد و ثروت محدود، فقر و افزایش قیمت مواد غذایی، تغییر اقلیم و تأثیر منفی آن بر میزان دسترسی و عرضه آب از مهمترین عواملی هستند که تأمین امنیت غذایی را با چالش‌هایی مواجه ساخته‌اند. همچنین فقدان سیاست‌های پایدار در ارتباط با امنیت غذایی، محدودیت دسترسی به زیرساخت‌ها و خدمات پایه و اساسی، سیاست‌های نامناسب دولتها و نوسان شدید قیمت محصولات و مواد غذایی، مدیریت ضعیف محیط زیست، ضعف سیاست‌ها، تضعیف حاصلخیزی خاک، هجوم آفات، عدم دسترسی به تکنولوژی و امکانات اعتباری از دیگر عوامل تهدید کننده امنیت غذایی هستند (آندرسون و استرات، ۲۰۱۴).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان چنین عنوان کرد که امروزه برای تأمین امنیت غذایی در سطوح جهانی، ملی و محلی، چالش‌های متعددی وجود دارد و با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر کشورها شدت چالش‌های مذکور متفاوت است. به طور کلی اهداف پژوهش حاضر را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- اولویت‌بندی مولفه‌های تشکیل دهنده امنیت غذایی در محدوده مورد مطالعه.
- بررسی تفاوت مکانی بین ۵۱ نقطه روستایی واقع در دهستان بکشلوچای.
- سنجش امنیت غذایی در میان روستاییان دهستان بکشلوچای.
- شناسایی چالش‌های پیش روی امنیت غذایی روستاییان دهستان بکشلوچای.

روش‌شناسی

در این پژوهش از دو روش کمی و کیفی استفاده شده است. در بخش کمی پژوهش، از تکنیک پرسشنامه‌ای و در بخش کیفی، از روش نظریه داده بنیاد (GTM) استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا با توزیع و تکمیل پرسشنامه به سنجش امنیت غذایی در میان سرپرستان خانوارهای روستایی دهستان بکشلوچای پرداخته شده، سپس به واکاوی

¹. Anderson, K. and Strutt, A

چالش‌های امنیت غذایی در بین ساکنان محدوده مورد مطالعه با استفاده از روش نظریه داده بنیاد (GTM) پرداخته شده و در نهایت هر دو تحلیل، به طور هم زمان مورد تفسیر قرار گرفته‌اند. در بخش کمی، جامعه‌ی آماری تحقیق را کلیه‌ی سرپرستان خانوار روستایی ساکن در ۵۱ نقطه روستایی دهستان بکشلوچای تشکیل می‌دهد که ۱۸۰ نفر از آنها با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری برآورد شده‌اند: کلیات فرمول کوکران در بخش زیر نمایش داده شده است:

$$N = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{n} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

در این فرمول، N حجم جامعه مورد مطالعه، t اندازه متغیر در توزیع طبیعی، P درصد توزیع صفت در جامعه، q درصد افرادی که فاقد آن صفت هستند، d تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه را نشان می‌دهد (حافظ نیا، ۱۳۹۵). جهت توزیع پرسشنامه‌ها، کلیه روستاهای دهستان مد نظر بوده و در هر روستا حداقل ۳ نفر از سرپرستان خانوار به صورت تصادفی مورد پرسش‌گری قرار گرفته‌اند.

این پرسشنامه شامل سه قسمت اصلی بدین شرح بود: الف) ۱۳ گویه مربوط به ویژگی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی روستاییان ب) ۱۸ گویه برای بررسی وضعیت امنیت غذایی که به منظور سنجش آن از پرسشنامه استاندارد وزارت کشاورزی امریکا استفاده شد؛ و ج) ۸ شاخص برای سنجش وضعیت گروه‌های غذایی که از شاخص‌ها و استانداردهای تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور استفاده شد. این پرسشنامه توانایی اندازه‌گیری شدت ناامنی غذایی و گرسنگی خانوار را داشته و جامعه مورد بررسی را در چهار گروه دارای امنیت غذایی، دارای ناامنی غذایی بدون گرسنگی، دارای ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط و دارای ناامنی غذایی با گرسنگی شدید گروه‌بندی می‌نماید (جدول ۱).

جدول ۱. تحلیل وضعیت امنیت غذایی در خانوارهای روستایی

امتیاز خانوار			
کمتر از ۲/۳۲	۲/۴-۳۲/۵۶	۴/۶-۵۶/۵۳	بیشتر از ۶/۵۳
امنیت غذایی	نامنی غذایی بدون گرسنگی	نامنی غذایی با گرسنگی	نامنی غذایی با گرسنگی شدید

به منظور تعیین روایی پرسشنامه از روایی سازه با محاسبه میانگین واریانس استخراجی، و روایی محتوایی شامل پانل متخصصان امنیت غذایی و اعضای هیئت علمی گروه مدیریت و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران استفاده شد. به منظور برآورد پایایی پرسشنامه از آزمون ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد (جدول ۱). با توجه به مقادیر جدول ۱ می‌توان گفت که ابزارهای پژوهش حاضر دقت لازم و کافی را دارند.

جدول ۲. بررسی روایی و پایایی ابزارهای پژوهش

مقدار استاندارد	مقدار گزارش شده	موارد
بالا تر از ۰.۵	۰.۸۶	روایی سازه (AVE)
بالا تر از ۰.۶	۰.۹۱	روایی ترکیبی (CR)
بالا تر از ۰.۷	۰.۸۱	آلفای کرونباخ (α)

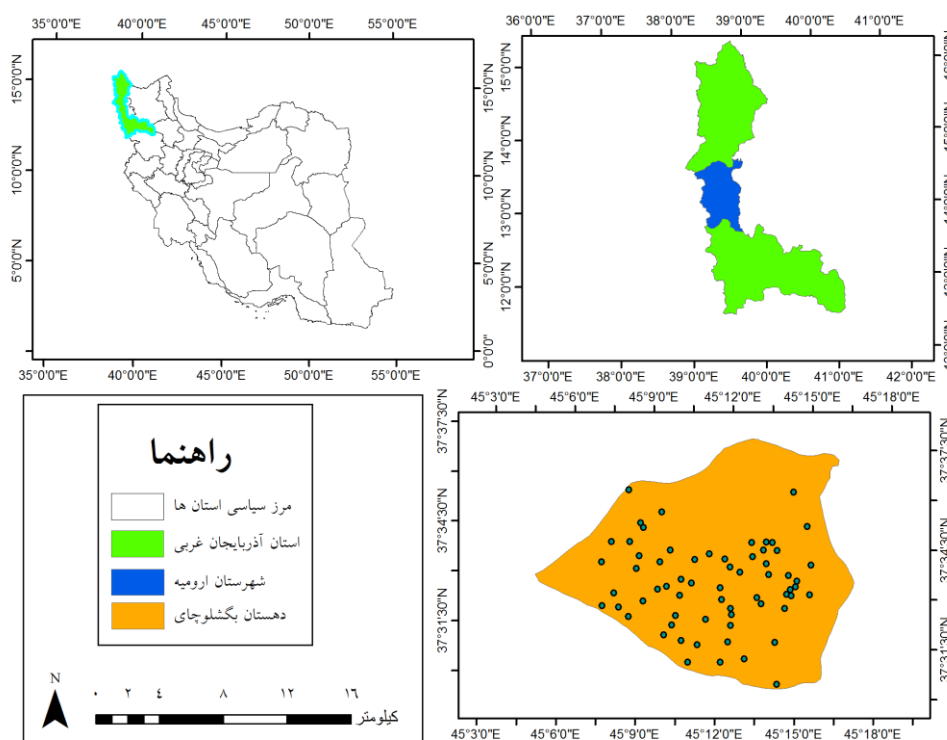
در بخش کیفی پژوهش، از روش نظریه داده بنیاد (GTM) استفاده شده است. نظریه داده بنیاد مبتنی بر رویکرد استقرایی است.

در راستای مطالعه اکتشافی محققان با مطالعه اولیه و پرس و جو راجع به روستاهای هدف نسبت به شناسایی افراد کلیدی و مطلع اقدام کردند. در این مرحله جمع‌آوری اطلاعات اولیه با ورود به میدان تحقیق آغاز شد. شایان ذکر است در این مرحله نمونه‌گیری هدفمند انجام می‌گیرد. در مرحله بعد، داده‌های گردآوری شده تنظیم و گویه‌ها و مفاهیم تنظیم گردید. هدف این مرحله، ایجاد آشنایی محقق با داده‌ها است. سپس داده‌ها تجزیه و تحلیل شدند. اصلی‌ترین فرایند در تئوری بنیانی تحلیل داده‌ها است که مرکز ثقل پژوهش‌های کیفی است. در اینجا سه شکل از کدگذاری وجود دارد که عبارتند از کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی. این کدگذاری‌ها اشکال تجزیه و تحلیل هستند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰).

در پژوهش حاضر برای عملیاتی کردن وضعیت گروه‌های غذایی از الگوی پیشنهادی انستیتو تحقیقات علوم تغذیه و صنایع غذایی کشور استفاده شد. براساس شاخص‌های تعیین شده به وسیله این الگو، وضعیت تغذیه روزانه هریک از اعضای خانوار روستایی مشخص شد. در این الگو کوشش شد با استفاده از جانشین خوراکی، از سهم هزینه خانوار کاسته شود تا مواد مغذی با هزینه تأمین کمتری به بدن برسد. وضعیت تغذیه خانوارها این گونه تعیین می‌شود که در یک دوره مشخص مواد مصرفی و مقدار مصرف روزانه هرکدام به دقت یادداشت می‌شود. سپس براساس فرمول پیشرفته بهداشتی تغذیه ای وضعیت تغذی‌های خانوار تعیین می‌گردد.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

دهستان بکشلوچای یکی از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارومیه است. این دهستان شامل ۵۱ نقطه روستایی، ۲۲۶۷۲ نفر جمعیت و ۶۲۰۸ خانوار است. دهستان بکشلوچای به لحاظ مختصات جغرافیایی در ۴۴ تا ۴۶ درجه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است (شکل ۱).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

به گفته سازمان علوم پزشکی شهرستان ارومیه ۶۵ درصد از جمعیت این شهرستان دارای اضافه وزن و عادت‌های غذایی ناصحیح هستند، به طوری که ۸۸ درصد از جمعیت این شهرستان ماهی و ۲۸ درصد نیز اصلاً میوه و سبزی مصرف نمی‌کنند.

یافته‌ها و بحث

ویژگی‌های شخصی، حرفه‌ای، اجتماعی و اقتصادی روستاییان

بررسی وضعیت سنی پاسخگویان نشان داد میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۴۵ سال بوده است، که در این میان جوان‌ترین و مسن‌ترین فرد به ترتیب ۲۴ سال و ۷۵ سال سن داشته‌اند. بررسی وضعیت بعد خانوار افراد مورد بررسی نشان داد میانگین افراد ساکن در خانوارهای مورد مطالعه ۴٫۵ نفر در هر خانوار بوده و دامنه افراد ساکن در خانوارها بین ۱ نفر و ۱۱ نفر در نوسان بوده است.

نتایج بررسی وضعیت فاصله روستاییان نسبت به نزدیک‌ترین مغازه و فروشگاه، بازار، جاده اصلی و نزدیک‌ترین شهر، نشان داد میانگین به ترتیب ۲۵۰ متر، ۶ کیلومتر، ۹۰۰ متر و ۹٫۵ کیلومتر بوده است. بررسی وضعیت مالکیت منابع سرمایه‌ای در بین روستاییان دهستان بکشلوچای نشان داد حدود ۹۵ درصد دارای مالکیت مسکن، ۸۰ درصد دارای مالکیت زمین زراعی، ۱۴ درصد دارای مالکیت باغات، ۶۰ درصد دارای مالکیت دام، ۴۰ درصد دارای مالکیت ادوات کشاورزی و ۸۰ درصد دارای ماشین شخصی بوده‌اند. بررسی متغیرهای شاخص پایگاه اجتماعی - اقتصادی نشان داد ۲۸ درصد افراد مورد مطالعه بیسواد، میانگین درآمد ماهیانه خانوارها ۱ میلیون و پانصد هزار تومان بوده و ۷ درصد سرپرستان خانوار بیکار، ۷۱ درصد در بخش کشاورزی و بقیه در دیگر مشاغل (بخش دولتی، خدماتی) مشغول به فعالیت بوده‌اند.

بررسی وضعیت امنیت غذایی در میان روستاییان دهستان بکشلوچای

به طور کلی نتایج بررسی وضعیت امنیت غذایی روستاییان دهستان بکشلوچای نشان می‌دهد (جدول ۳) ۷٫۸ درصد افراد مورد مطالعه دارای امنیت غذایی و ۹۲٫۲ درصد سرپرستان خانوار دهستان بکشلوچای درجات مختلف ناامنی غذایی را تجربه می‌کنند. بدین صورت که ۱۰ درصد در شرایط ناامنی غذایی بدون گرسنگی، ۲۵ درصد در شرایط ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط و ۵۷٫۲ درصد در شرایط ناامنی غذایی با گرسنگی شدید قرار گرفته‌اند. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که روستاییان دهستان بکشلوچای به لحاظ امنیت غذایی در وضعیت نامساعد و بحرانی قرار دارند (جدول ۳).

جدول ۳. طبقه‌بندی وضعیت امنیت غذایی خانوارهای روستایی دهستان بکشلوچای

وضعیت امنیت غذایی درصد	فراوانی	درصد	تجمعی
امن غذایی	۱۴	۷٫۸	۷٫۸
ناامنی غذایی بدون گرسنگی	۱۸	۱۰	۱۷٫۸
ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط	۴۵	۲۵	۴۲٫۸
ناامنی غذایی با گرسنگی شدید	۱۰۳	۵۷٫۲	۱۰۰
مجموع	۱۸۰	۱۰۰	-

جهت تبیین بیشتر موضوع مورد بررسی، در ادامه وضعیت هریک عناصر تشکیل دهنده امنیت غذایی در بین سرپرستان خانوار روستایی دهستان بکشلوچای با استفاده از آماره ضریب تغییرات رتبه بندی شده‌اند. نتایج نشان داد که مولفه‌های حذف وعده غذای فرزندان زیر ۱۸ سال، نخوردن غذا به مدت یک روز توسط فرزندان زیر ۱۸ سال و گرسنه ماندن فرزندان زیر ۱۸ سال به ترتیب با ضریب تغییرات ۰٫۳۰۴، ۰٫۳۱۳ و ۰٫۳۷۷ دارای بهترین وضعیت و سه

مولفه نگرانی در مورد تمام شدن مواد غذایی، متکی بودن به غذاهای ارزان قیمت برای فرزندان زیر ۱۸ سال و کاهش حجم وعده غذایی یا حذف وعده در بزرگسالان به ترتیب با ضریب تغییرات ۰,۵۵۱، ۰,۵۶۱ و ۰,۵۹۸ دارای کمترین میزان ضریب تغییرات بوده و بدترین وضعیت را در بین ۱۸ مولفه مورد بررسی داشته‌اند (جدول ۴).

جدول ۴. اولویت‌بندی وضعیت مولفه‌های امنیت غذایی در میان سرپرستان خانوار روستایی دهستان بکشلوچای

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه
۲	۰/۳۱۳	۰/۸۶	۲/۷۴	نخوردن غذا به مدت یک روز توسط فرزندان زیر ۱۸ سال
۴	۰/۳۸۰	۱/۲۴	۳/۲۶	کاهش حجم غذا فرزندان زیر ۱۸ سال
۸	۰/۴۲۴	۱/۱۲	۲/۶۴	تعداد دفعات کاهش حجم وعده غذایی یا حذف وعده در بزرگسالان
۱۰	۰/۴۴۵	۱/۱۸	۲/۶۵	از دست دادن وزن
۱۱	۰/۴۵۲	۰/۵۴۳	۱/۲	احساس گرسنه بودن
۷	۰/۴۱۲	۰/۹۲۸	۲/۲۵	تعداد دفعات نخوردن غذا به مدت یک روز در بزرگسالان
۵	۰/۳۹۷	۱/۰۸	۲/۷۲	نخوردن غذا به مدت یک روز در بزرگسالان
۱۲	۰/۴۶۳	۱/۱۵	۲/۴۸	احساس کم خوردن
۶	۰/۴۰۰	۱/۰۵	۲/۶۲	تعداد دفعات حذف وعده غذایی فرزندان زیر ۱۸ سال
۳	۰/۳۷۷	۱/۳۴	۳/۵۵	گرسنه ماندن فرزندان زیر ۱۸ سال
۱	۰/۳۰۴	۱/۲۱	۳/۹۸	حذف وعده غذا فرزندان زیر ۱۸ سال
۹	۰/۴۴۴	۱/۲۳	۲/۷۷	عدم تأمین غذای کافی فرزندان زیر ۱۸ سال
۱۵	۰/۵۲۵	۱/۲۴	۲/۳۶	تمام شدن آذوقه و عدم استطاعت مالی برای تأمین دوباره
۱۶	۰/۵۵۱	۱/۴۹	۲/۷	کاهش حجم وعده غذایی یا حذف وعده در بزرگسالان
۱۳	۰/۴۷۴	۱/۱۳	۲/۳۸	عدم استطاعت مالی جهت تأمین غذای متعادل
۱۴	۰/۵۰۵	۰/۸۲۴	۱/۶۲	عدم استطاعت مالی برای تأمین غذای متعادل فرزندان زیر ۱۸ سال
۱۷	۰/۵۶۱	۱/۲۷	۲/۲۶	متکی بودن به غذاهای ارزان قیمت برای فرزندان زیر ۱۸ سال
۱۸	۰/۵۹۸	۰/۸۱۴	۱/۳۶	نگرانی در مورد تمام شدن مواد غذایی

بررسی تفاوت بین روستاهای دهستان بکشلوچای به لحاظ امنیت غذایی

جهت بررسی تفاوت بین روستاهای دهستان بکشلوچای به لحاظ امنیت غذایی، از تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج نشان داد سطح معناداری حاصل شده بیشتر از ۰/۰۵ است. بنابراین می‌توان چنین عنوان کرد که بین ۵۱ سکونتگاه روستایی دهستان بکشلوچای به لحاظ امنیت غذایی، تفاوت معناداری وجود ندارد و روستاهای دهستان به لحاظ وضعیت امنیت غذایی در شرایط نامناسبی قرار دارند (جدول ۵).

جدول ۵. بررسی تفاوت بین روستاهای دهستان بکشلوچای به لحاظ امنیت غذایی با استفاده از تحلیل واریانس

شاخص‌ها	واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	معناداری
بین گروهی	۱۸۱,۲۵۴	۲۲	۸,۶۲			
درون گروهی	۳۲۴۵,۲۶۱	۱۵۲	۲۴,۷۶		۰,۳۴۷	۰,۶۲۶
مجموع	۳۴۲۶,۵۱۵	۱۷۱				

وضعیت گروه‌های غذایی در روستاهای دهستان بکشلوچای

در این پژوهش به منظور بررسی وضعیت گروه‌های غذایی در جامعه روستایی دهستان بررسی شده از الگوی پیشنهادی انسیتیو تحقیقات علوم تغذیه ای و صنایع غذایی کشور استفاده شد (جدول ۶). همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، بیشترین امنیت غذایی بین خانوارهای روستایی دهستان بررسی شده مربوط به گروه لبنیات است

که از ۱۸۰ خانوار، ۶۵،۵ درصد در قسمت امن غذایی و ۳۴،۵ درصد در قسمت ناامن غذایی قرار دارند. بیشترین ناامنی غذایی مربوط به گروه غذایی سبزیجات است، که ۶۵،۶ درصد در قسمت ناامن غذایی و ۳۴،۴ درصد در قسمت امن غذایی قرار دارند.

جدول ۶. وضعیت گروه‌های غذایی در خانوارهای مطالعه شده

گروه‌های غذایی به تفکیک	مقدار استاندارد برای هر فرد	امن غذایی		ناامن غذایی	
		تعداد خانوار	درصد	تعداد خانوار	درصد
غلات	۳۵۰ گرم	۱۱۳	۶۲،۷	۶۷	۳۷،۳
حبوبات	۳۰ گرم	۱۱۰	۶۱،۱	۷۰	۳۸،۹
قند و شکر	۴۵ گرم	۸۱	۴۵	۹۹	۵۵
روغن	۲۵ گرم	۱۱۵	۶۳،۸	۶۵	۳۶،۲
میوه‌جات	۳۵۰ گرم	۷۱	۳۹،۴	۱۰۹	۶۰،۶
سبزیجات	۳۳۰ گرم	۶۲	۳۴،۴	۱۱۸	۶۵،۶
گوشت	۱۰۰ گرم	۸۹	۴۹،۴	۹۱	۵۰،۶
لبنیات	۴۰۰ گرم	۱۱۸	۶۵،۵	۶۲	۳۴،۵

روابط بین متغیرهای پژوهش با امنیت غذایی خانوارهای بررسی شده

برای بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش، با توجه به مقیاس‌های سنجش متغیرها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. براساس نتایج جدول ۷ می‌توان گفت که بین درآمد خانوار، تعداد شاغلان خانوار، مقدار زمین زراعی و باغی تحت تملک خانوار و تحصيلات با امنیت غذایی خانوار رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بعد خانوار و فاصله محل سکونت تا شهر نیز رابطه منفی و معناداری با امنیت غذایی دارد، به طوری که می‌توان گفت با بهبود موارد ذکرشده امنیت غذایی خانوارها بهبود می‌یابد.

جدول ۷. روابط بین متغیرهای مستقل با امنیت غذایی خانوار

متغیرهای مستقل	r	sig	امنیت غذایی
سن	۰،۵۴۳	۰،۳۱۲	
سابقه کار در کشاورزی	۰،۴۱۳	۰،۳۵۴	
درآمد خانوار	**۰،۴۳۸	۰،۰۰۲	
بعد خانوار	**۰،۵۶۸-	۰،۰۰۰	
تعداد شاغلان	**۰،۱۳۸	۰،۰۰۰	
فاصله محل سکونت تا شهر	*۰،۲۶۶-	۰،۰۰۱	
مقدار زمین زراعی خانوار	**۰،۳۱۸	۰،۰۰۰	
تحصيلات	**۰،۶۵۲	۰،۰۰۴	

**معناداری در سطح ۱ درصد، و * معناداری در سطح ۵ درصد

چالش‌های امنیت غذایی در روستاهای دهستان بکشلوچای

با توجه به هدف اصلی پژوهش، شناسایی چالش‌های امنیت غذایی در روستاهای دهستان بکشلوچای، داده‌های میدانی گردآوری شده در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج نشان داد ۱۷۱ کد در مرحله اول حاصل شد که به جهت رعایت اختصار این کدها در مقاله آورده نشده است. در ادامه با توجه به تأکیدات پاسخگویان بر گویه‌های مشخص و همچنین، با توجه به مفهوم و بار معنایی گویه‌های ۱۷۱ گویه

حاصل شده، محقق آنها را در مرحله کدگذاری محوری در قالب ۲۸ کد طبقه‌بندی کرده است. در مرحله سوم، با توجه به ارتباط درونی و مفهومی بین ۲۸ کد واقع در کدگذاری محوری، محقق کدهای مذکور را در مرحله کدگذاری انتخابی در شش مفهوم اصلی خلاصه کرده است. به این صورت که چالش‌های امنیت غذایی ساکنین روستایی دهستان بکشلوچای در پنج مفهوم ضعف سیاستگذاری، ضعف شرایط اقتصادی، نارسایی‌ها و مخاطره‌های محیطی، موانع فرهنگی و تغییرات اجتماعی و ناپایداری کشاورزی خلاصه گردید (جدول ۸).

جدول ۸. کدگذاری باز، محوری و انتخابی چالش‌های امنیت غذایی در روستاهای دهستان بکشلوچای

کدگذاری محوری	مفاهیم
تکیه بر حمایت‌های مالی ناپایدار دولتی	ضعف سیاست‌گذاری
ضعف امکانات زیرساختی	
ناکارآمدی یارانه‌ها	
ضعف عملکرد مدیران و متولیان امور روستایی	
مکانیزاسیون در کشاورزی و افزایش بیکاری	
ضعف نظام کنترل قیمت‌ها	
افزایش قیمت انرژی	
شرایط نامناسب تسهیلات بانکی	
فقدان قدرت مالی	
پایین بودن قیمت محصولات کشاورزی	
مقرون به صرفه نبودن فعالیت و سرمایه‌گذاری در روستا	ضعف شرایط اقتصادی
نبود فرصت‌های شغلی	
عدم امنیت شغلی	
ناتوانی در دستیابی به اولویت‌های غذایی	
بالا بودن قیمت مواد غذایی	
فاصله از بازار	نارسایی‌ها و مخاطره‌های محیطی
تغییرات نامناسب شرایط اقلیمی	
خشکسالی	
کاهش کیفیت زمین‌ها و قوت مراتع	
خشک شدن دریاچه ارومیه	
ضعف فرهنگ تغذیه	موانع فرهنگی و اجتماعی
تغییر فرهنگ تغذیه	
نداشتن برنامه غذایی	
کم بودن زمین در اختیار کشاورزان	
فرسوده بودن تجهیزات کشاورزی	
تغییر محسوس فصلی قیمت‌ها	ناپایداری کشاورزی
از بین رفتن دامداری	
فروش دارایی‌ها	

ضعف سیاست‌گذاری

یافته‌ها نشان می‌دهد طی دهه گذشته در روستاهای دهستان بکشلوچای، با اعمال سیاست‌های مکانیزاسیون در بخش کشاورزی، روستاییان به استفاده از ادوات کشاورزی نوین از جمله کمباین، تراکتور و سایر ادوات مرتبط با آن روی آوردند. در حالی که قبل از مکانیزاسیون، هر سال حداقل در اواسط فصل بهار تا پاییز، کل اعضای خانوار به شدت درگیر امور برداشت محصولات زراعی بودند. استفاده از تجهیزات کشاورزی از یک طرف نیاز به نیروی کار را به شدت

کاهش داد و موجب بیکاری قشر وسیعی از روستاییان گردید؛ این در حالی بود که نیروی کار مازاد گرایشی به فعالیت در دیگر بخش‌ها نداشتند. از طرف دیگر استفاده از ادوات کشاورزی نوین، هزینه‌های زیادی را بر دوش خانواده‌های روستایی گذاشت. این مهم همزمان با افزایش قیمت سوخت و برق در دهه اخیر ملموس‌تر شد. با بیکاری روستاییان و افزایش هزینه خانوارها، امنیت غذایی آنان به واسطه مکانیزاسیون در معرض خطر قرار گرفت. روستاییان با اشاره به ضعف نظام کنترل قیمت‌ها از سوی نهادهای مرتبط با امور توسعه روستایی عنوان کرده‌اند که محصولات آنها قیمت تضمینی ندارد. همچنین، نظارت ضعیف بر قیمت وسایل مورد نیاز آنها و برخورد ضعیف با گران‌فروشی و کم‌فروشی از دیگر نقاط ضعف سیاست‌های نظارت و کنترل قیمت‌ها است که به طرق مختلفی از جمله افزایش هزینه و کاهش نقدینگی خانوار، تأمین امنیت غذایی روستاییان ساکن در دهستان بکشلوچای را تهدید می‌کند. بنابراین سیاست‌های حمایتی و مالی ناپایدار دولت از روستاییان به عنوان یکی دیگر از چالش‌های پیش روی امنیت غذایی روستاییان مطرح شد.

به این ترتیب مروری بر موارد فوق نشان می‌دهد که ضعیف سیاست‌گذاری‌ها در بخش‌های مختلف به طرق گوناگونی از جمله افزایش میزان بیکاری، افزایش قیمت کالاها، تکیه بر منابع مالی ناپایدار و...، با ارتباط زنجیره‌وار و منفی خود با شرایط مالی و درآمدی روستاییان، نهایتاً منجر به تضعیف شرایط اقتصادی روستاییان و تهدید امنیت غذایی آنها شده است.

ضعف شرایط اقتصادی

نتایج نشان می‌دهد وضعیت نامناسب اقتصادی ساکنان روستایی دهستان بکشلوچای شرایطی را برای آنها فراهم آورده است که آنان را در دسترسی به مواد غذایی مورد نظر با چالش مواجه ساخته است. در ارتباط با این موضوع ذکر چند نکته اساسی ضروری به نظر می‌رسد. اول اینکه از نظر روستاییان، قیمت تولیدات آنها (زراعی و دامی) در سطح پایینی قرار دارد و اکثر فعالیت‌ها در سطح روستا منجر به ورشکستگی فرد می‌شود.

علاوه بر موارد مذکور، فصلی بودن شدید شغل‌ها، نبود تنوع شغلی در بین روستاییان، روزمزد بودن کارگران، نبود سرمایه و نقدینگی در دسترس روستاییان، دست به دست هم داده است تا روستاییان در برابر مواد غذایی که قیمت نسبتاً بالایی دارند، سر تسلیم فرو آورده و شرایط نامساعد اقتصادی آنها به عنوان چالشی جدی برای دسترسی به مواد غذایی و امنیت غذایی مطرح گردد. نکته دوم اینکه به واسطه فاصله زیاد روستاییان از بازارهای فروش عمده محصولات زراعی و دامی و انتقال محصولات به بازار، که در مرکز استان قرار دارند، در صورت انتقال فراورده‌های زراعی و دامی به بازار، روستاییان هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شوند. سوم اینکه به واسطه عدم سودآوری یا سودآوری اندک فعالیت‌های اقتصادی در روستا، آنها گرایشی به سرمایه‌گذاری در روستا ندارند.

چهارم اینکه به واسطه عدم سرمایه‌گذاری بخش‌های دولتی، خصوصی و روستاییان در بخش اشتغال‌زایی، فقدان تنوع شغلی، به علل متعددی از جمله ناآشنایی روستاییان با کارآفرینی و محدودیت‌های طبیعی در چند سال اخیر به واسطه خشکسالی، خشک شدن دریاچه ارومیه، کاهش کیفیت زمین‌ها، روستاییان با مشکل عدم پایداری شغلی مواجه هستند. به این ترتیب هر یک از عوامل فوق در به وجود آوردن شرایط اقتصادی ضعیف روستاییان نقش بسزایی دارند و دسترسی به منابع مالی لازم را جهت خرید مواد غذایی لازم و ضروری، با چالش مواجه می‌سازد.

نارسایی‌ها و مخاطره‌های محیطی

یافته‌ها نشان می‌دهد خشکسالی و خشک شدن دریاچه ارومیه، کاهش میزان بارندگی و بارش نامنظم آن بر روی تولیدات زراعی ساکنین دهستان بکشلوچای تأثیر قابل توجهی را برجای گذاشته است. نتیجه آشکار کاهش تولیدات زراعی، کاهش درآمد و در نتیجه کاهش دسترسی روستاییان به مواد غذایی و امنیت غذایی است. علاوه بر موارد فوق سرمازدگی محصولات و تگرگ از مواردی است که در کاهش تولیدات روستاییان تأثیر بسزایی دارد.

علاوه بر تأثیر منفی عوامل مذکور بر تولیدات زراعی ساکنین دهستان بکشلوچای، شرایط محیطی نامساعد بر کیفیت زمین‌ها و مراتع نیز اثر گذاشته است.

موانع فرهنگی و تغییرات اجتماعی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در روستاهای دهستان بکشلوچای به واسطه گذر زمان، شکاف عمیقی بین سلاقی و ذائقه‌های غذایی نسل جدید و نسل قدیم ایجاد شده است. به عبارتی در روستاهای مورد مطالعه نوعی تغییر فرهنگ تغذیه اتفاق افتاده و روستاییان از مصرف غذاهای محلی سنتی اجتناب می‌نمایند. همچنین، سطح پایین تحصیلات روستاییان به‌ویژه قشر زنان و آگاهی تغذیه‌ای ناچیز آنها در پایین آوردن کیفیت غذاهای طبخ شده بی تأثیر نیست.

ناپایداری کشاورزی

نتایج پژوهش نشان داد فروش اراضی توسط روستاییان به واسطه ضعف شرایط مالی و خرد بودن اراضی تحت مالکیت به‌ویژه در میان مالکان جدید که به واسطه ارث، زمین به آنها تعلق گرفته است، فروش دامها به واسطه خشکسالی‌های اخیر و پایین بودن قیمت دام نسبت به هزینه نگهداری آنها و همچنین، تغییر شدید فصلی قیمت محصولات زراعی به ویژه افت شدید قیمت‌ها در فصل برداشت محصول، فقدان امنیت کافی در نگهداری دام و محصولات زراعی و...، از علل اصلی ناپایداری کشاورزی در بین ساکنین محدوده مورد مطالعه هستند. همچنین، یافته‌ها نشان داد طی مراحل مختلف کاشت، داشت و برداشت محصولات زراعی به علت فرسوده بودن تجهیزات کشاورزی به ویژه کمباین، قسمت عمده‌ای از محصولات زراعی از بین می‌رود.

به این ترتیب عوامل مذکور دست به دست هم داده و با کاهش تولید محصولات و همچنین، کاهش درآمد روستاییان، کشاورزی روستاییان دهستان بکشلوچای را سمت ناپایداری سوق داده و امنیت غذایی ساکنین را با خطر جدی مواجه ساخته است.

نتیجه‌گیری

نتایج بررسی کمی امنیت غذایی در محدوده مورد مطالعه نشان داد ۹۲٫۲ درصد سرپرستان خانوار دهستان بکشلوچای در شرایط ناامنی غذایی قرار دارند. نتایج تحلیل واریانس نشان داد بین سکونتگاه‌های روستایی مورد بررسی به لحاظ امنیت غذایی تفاوت معناداری وجود ندارد و روستاهای دهستان بکشلوچای به لحاظ امنیت غذایی به صورت یکدست در شرایط نامساعدی قرار دارند. این وضعیت نشان‌دهنده شرایط نامساعد امنیت غذایی سرپرستان خانوار روستایی دهستان بکشلوچای در مقایسه با مناطق مختلف کشور است.

همچنین، نتایج نشان داد سه مولفه نگرانی در مورد تمام شدن مواد غذایی، متکی بودن به غذاهای ارزان قیمت برای فرزندان زیر ۱۸ سال و کاهش حجم وعده غذایی یا حذف وعده در بزرگسالان به ترتیب با ضریب تغییرات ۰٫۵۵۱، ۰٫۵۶۱ و ۰٫۵۹۸ دارای کمترین میزان ضریب تغییرات بوده و بدترین وضعیت را در بین ۱۸ مولفه مورد بررسی داشته‌اند. نتایج بررسی تفاوت مکانی بین ۵۱ نقطه روستایی به لحاظ امنیت نشان داد تفاوت معناداری بین روستاهای مورد مطالعه به لحاظ امنیت غذایی وجود ندارد.

پس از بررسی وضعیت موجود روستاهای دهستان بکشلوچای به لحاظ امنیت غذایی با داده‌های کمی، محقق در ادامه با استفاده از نظریه داده بنیان به بررسی و تحلیل موانع و چالش‌های پیشروی امنیت غذایی در روستاهای دهستان بکشلوچای پرداخت. نتایج تحلیل کیفی داده‌ها نشان داد ضعف سیاست‌گذاری‌ها، ضعف شرایط اقتصادی، نارسایی‌ها و مخاطره‌های محیطی، موانع فرهنگی و تغییرات اجتماعی و ناپایداری کشاورزی، مهم‌ترین عواملی هستند که امنیت غذایی روستاییان دهستان بکشلوچای را با مشکل مواجه ساخته‌اند. در مجموع چالش‌های مذکور که به نوعی در تعامل پیچیده‌ای با یکدیگر می‌باشند دست به دست هم داده و فرایند تأمین منابع مالی لازم را برای تهیه مواد

غذایی و امنیت غذایی کامل، که با تعریف جهانی آن تطابق داشته باشد، به چالش کشیده‌اند. با توجه به نتایج حاصل شده، ارائه راهکارهای عملی و منطقی، در راستای تقویت امنیت غذایی روستاییان دهستان بکشلوچای، امری ضروری و منطقی است که محققان در ادامه به آن پرداخته‌اند.

توجه به توزیع عادلانه خدمات و پرهیز برنامه‌ریزان شهرستان از اعمال تبعیض در واگذاری امکانات به نقاط شهری و بی‌توجهی به نقاط روستایی، اعمال سیاست‌های خرید تولیدات روستاییان با قیمت مناسب که از ضرردهی فعالیت در روستاها جلوگیری نماید، نظارت دقیق‌تر بر قیمت مواد غذایی اساسی ارائه شده به روستاییان توسط فروشندگان مواد غذایی، احداث صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی جهت جذب نیروی کار مازاد بخش کشاورزی در این صنایع، تجدیدنظر در خصوص اعمال سیاست هدفمندی یارانه‌ها برای روستاییان که هزینه‌های جاری آنها را به شدت افزایش داده است، احداث بازارهای محلی و فراهم کردن زمینه ارتباط روستاییان با بازارهای عمده، تشکیل تعاونی‌های فروش تولیدات روستاییان، ترویج فرهنگ کارآفرینی و اشتغال‌زایی در بین روستاییان از مهم‌ترین راهکارهای غلبه بر چالش‌های سیاست‌گذاری و اقتصادی امنیت غذایی در میان روستاییان دهستان بکشلوچای هستند.

ترویج و ترغیب روستاییان به استفاده از بذره‌های اصلاح شده و مقاوم، ممانعت از حفرچاه‌های عمیق که به شدت سطح آب‌های زیرزمینی را کاهش داده است، تشویق و ترغیب روستاییان به استفاده از روش‌های آبیاری نوین و کودهای ارگانیک، ممانعت از فعالیت ادوات کشاورزی فرسوده به ویژه کمابین‌ها در سطح منطقه، از مهم‌ترین راهکارها برای غلبه بر مشکلات محیطی و ناپایداری کشاورزی در محدوده مورد مطالعه است.

در راستای غلبه بر موانع فرهنگی و تغییرات اجتماعی به عنوان یک چالش مهم امنیت غذایی در محدوده مورد مطالعه، برگزاری کلاسهای آموزش تهیه مواد غذایی برای زنان روستایی، ترویج و ترغیب روستاییان به استفاده از مواد غذایی محلی، ممانعت از تقسیم اراضی زراعی بین کلیه فرزندان خانوار و خردشدن شدید اراضی، تقویت حس همیاری و مشارکت بین روستاییان با توسعه فعالیت‌هایی که لازمه آن مشارکت و همکاری جمعی روستاییان با یکدیگر باشد، مانند توسعه دامداری به شیوه‌های سنتی و تولید صنایع دستی ضروری است.

شناخت شرایط نامساعد امنیت غذایی به تنهایی نمی‌تواند در امر برنامه‌ریزی توسعه امنیت غذایی در نواحی روستایی مفید واقع شود، بلکه برای نیل به این هدف نیاز به مطالعه عمیق چالش‌ها و موانعی که چنین شرایطی را سبب شده‌اند، وجود دارد.

منابع

- پیاب، مولود، درستی مطلق احمدرضا، اشراقیان محمدرضا، سیاسی، فریدون، کریمی، تینا، (۱۳۸۹)، رابطه ناامنی غذایی با برخی عوامل اجتماعی-اقتصادی و تغذیه ای در مادران دارای کودک دبستانی شهرستان ری، مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، سال هفتم، شماره ۱، صص ۸۴-۷۵.
- انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور، طرح جامع مطالعات مصرف مواد غذایی کشور. حافظ نیا، م. (۱۳۹۵). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.
- سالارکيا، ناهید، امینی، مریم، عبدالهی، مرتضی، عشرتی، بابک، (۱۳۸۹)، نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تغذیه کودک زیر دو سال از دیدگاه مادران، مراقبین کودک و کارکنان بهداشت: یک مطالعه کیفی در شهرستان دماوند، مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، سال پنجم، شماره ۴، صص ۸۶-۷۵.
- شرفخانی، رحیم، دستگیری سعید، قره آغاچی اصل، رسول و قوا مزاده، سعید، (۱۳۹۰)، شیوع و عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی خانوار: یک مطالعه مقطعی، مجله پژوهشی ارومیه، دوره بیست و دوم، شماره دوم، صص ۱۳۳-۱۲۵.
- صفرخانلو، الهام و امیر محمدی نژاد (۱۳۹۰)، بررسی اثر ضایعات نان بر خط فقر و شاخص امنیت غذایی خانوارهای شهری و روستایی ایران طی سالهای ۸۶-۱۳۸۰، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۹، شماره ۷۵، صص ۷۷-۵۳.
- علی حسینی، جمیله، (۱۳۸۵)، بررسی عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر ناامنی غذایی: خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد در منطقه ۲۰ تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

- گودرزی، فریدون، شاد یطلب، ژاله، طالب، مهدی، (۱۳۸۷)، عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در جامعه روستایی: مطالعه موردی دهستان پیر شهرستان خرم‌آباد، پایان نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- Anderman, T.L. Remans, R. Wood, S. DeRosa, K. and DeFries, R. (2014): Synergies and tradeoffs between cash crop production and food security: a case study in rural Ghana, Food Sec. 6:541–554.
- Anderman, T.L. Remans, R. Wood, S. DeRosa, K. and DeFries, R. (2014): Synergies and tradeoffs between cash crop production and food security: a case study in rural Ghana, Food Sec. 6:541–554.
- Anderson, K. and Strutt, A. (2015): Food security policy options for China: Lessons from other countries, Food Policy, 49, pp: 50-58.
- Bala, B.K., Alias, E.F., Arshad, F.M., Noh. K.M., and Hadi, A.H.A. 2014. Modelling of food security in Malaysia, Simulation Modelling Practice, 47: 152–164.
- Bashir, M. K., Schilizzi, S. and Pandit, R. (2012): The determinants of rural household food security in the Punjab, Pakistan: an econometric analysis. Working Paper No.122526, School of Agricultural and Resource Economics, University of Western Australia, Crawley, Australia.
- Leunufna, S. and Evans, M. (2014), Ensuring food security in the small islands of Maluku: a community genebank approach. Marine and Island Cultures, 3 (2): 125-133.
- Nord M., Coleman-Jensen A., Andrews M., and Carlson S. 2010. Household Food Security in the United States 2009. U.S. Dept. of Agriculture, Econ. Res. Serv. November 2010.
- Seydaei, E. Ghanbari, Y. Jamini, D. and Boshagh, M. (2013): Measuring the Agricultural Sustainability in Rural Areas- A Case Study: Rural Areas of Central District of Ravansar Township, GEOGRAPHY AND ENVIRONMENTAL SUSTAINABILITY, 6 (87-106).)
- Shtasel-Gottlieb, Z. Palakshappa, D. Yang, F. and Goodman, E. (2015): The Relationship Between Developmental Assets and Food Security in Adolescents from a Low-Income Community, Journal of Adolescent Health 56: 215-222.
- Sinyolo, S., Mudhara, M. and Wale, F. (2015), Water security and rural household food security: empirical evidence from the Mzinyathi district in south Africa, food security, 6 (4): 483-499.
- Sinyolo, S., Mudhara, M. and Wale, E. (2014), Water security and rural household food security. food security, 6(4): 483-499.
- Siyoun, A.D. (2012): Broken Promises Food Security Interventions and Rural Livelihoods in Ethiopia, PhD thesis, Wageningen University.
- Strauss, A. and Corbin, J. (1990): Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques. Newbury Park, CA: Sage.
- Trefry, A., Parkins, J., and Cundill, G. 2014. Culture and food security: a case study of homestead food production in South Africa, Food Sec. 6: 555–565.